سیره اهل بیت در ایجاد وحدت میان مسلمانان

سیدحسن فلاحیان (دانشجوی ارشد رشته ارتباطات و حج)

آیین مقدس اسلام برای هدایت انسان به مسیر رشد و کمال، برنامهای کامل تدوین نموده و به همه نیازها و ابعاد انسان توجهی ویژه دارد و راه رسیدن به کمال را در زندگی اجتماعی می داند. یکی از نیازهای جامعه اسلامی، مساله وحدت و یکپارچگی است که در زندگی جمعی مسلمانان نقشی بسیار مهم و سرنوست ساز ایفا می کند.

چکیده:
آیین مقدس اسلام برای هدایت انسان به مسیر رشد و کمال، برنامه ای کامل تدوین نموده و به همه نیازها و ابعاد انسان توجهی ویژه دارد و راه رسیدن به کمال را در زندگی اجتماعی می داند. یکی از نیازهای جامعه اسلامی، مساله وحدت و یکپارچگی است که در زندگی جمعی مسلمانان نقشی بسیار مهم و سرنوست ساز ایفا می کند. اقامه دین الهی و احکام نورانی آن، که ضامن نظم اجتماعی و امنیت و عدالت و همبستگی است؛ درگرو از بین بردن اختلافات و نزاع در دین است؛ چراکه با وجود پدیده شوم اختلاف، مصالح امت اسلامی به خطر خواهد افتاد و باعث سستی و شکست خواهد شد. اهل بیت(علیهم السلام) همواره از بنیانگذاران وحدت و از منادیان آن بوده و در سیره خود بر این امر مهم تاکید داشته اند. برخی از مصادیق؛ مانند: احترام به مقدسات مخاطب، تحمل عقاید دیگران، حل مشکل حقوقی مسلمانان را می توان رصد و ردیابی کرد. سوال اصلی ما در این نوشتار این است که سیره اهل بیت(علیهم السلام) در ایجاد وحدت میان مسلمین چه بوده است؟ فرضیه ای که در تحقیق مطرح گردیده، این است که امامان(علیهم السلام) با توجه به موقعیتها و شرایط اجتماعی در پی ایجاد وحدت بین مسلمانان بوده و بر برادری و وحدت امت اسلامی تاکید می کردند. در سیره حضرت علی(ع) می بینیم که آن بزرگوار جهت حفظ وحدت و جلوگیری از تشتت در جامعه اسلامی، از حق خود صرف نظر می کند و 25 سال خانه نشینی را متحمل می شود. این رفتار حاکی از اهمیت اتحاد و انسجام مسلمین دارد.

مقدمه:

مقصود از وحدت، وحدت امت اسلام است که خداوند می‌فرماید: (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً

واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (انبیاء : 92)؛ «همانا این امت شما امت واحده است...» پس اساس این وحدت را قرآن نهاده است. قرآن کریم بارها مسلمانان را به عنوان «یک امت» مخاطب ساخته است؛ مانند (كنْتُمْ خَيرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...) (آل عمران: 110). (وَكَذلِكَ جَعَلْناكمْ أُمَّةً وَسَطاً…) (بقره : 143).

مسلمانان، موظف اند با اختلافات قومی و زبانی و اختلاف رأی در فروع فقهی و در روش‌های عملی و یا در فهم کتاب و سنت و گرایش‌های سیاسی، این وحدت را حفظ کنند و هیچگاه این قبیل اختلافات که وجودش امری طبیعی است، آنان را به فرقه ها و دسته ها تبدیل نکند و به در گیری و جنگ با یکدیگر وادار ننماید.

بنابراین، در آیاتی که مسلمانان را به وحدت دعوت می کند و از اختلاف باز می‌دارد، جملة (وَلا تَفَرَّقُوا) قید گردیده است مانند (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا...)؛ «به ریسمان الهی چنگ زنید و از تفرقه بپرهیزید.» (آل عمران: 103). (شَرَعَ لَكمْ مِنَ الدِّينِ مَاوَصَّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَينا إِلَيک وَ ما وَصَّينا بِهِ إِبراهِيمَ وَ موسی وَ عيسی أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا...)؛ «... دین را به پا دارید و متفرق نشوید. ..» (شوری : 13)

سخن گفتن از وحدت، همواره توأم با یاد کردن از اختلاف است. درآیات بسیاری از قرآن، غالباً این دو مفهوم؛ یعنی وحدت و اختلاف با هم آمده است. علت تقارن و تلازم وحدت و اختلاف در کتاب و سنت، آن است که اگر اختلاف نباشد نیاز به سفارش به وحدت نیست. همواره توحید به وحدت، جهت پرهیز از اختلاف و تفرقه موجود یا جلوگیری از اختلافی است که خطر بروز آن احساس شود.

پرسش اصلی تحقیق این است که: سیره اهل بیت، در ایجاد وحدت بین مسلمین چه بوده است؟

با مطالعه سیره امامان این نکته به دست می آید که آن حضرات با توجه به موقعیت ها و شرایطی که فرا روی آنان بوده، وضعیت اجتماعی را همواره رصد کرده و برای ایجاد وحدت بین مسلمانان، از هیچ کوششی دریغ نکرده و بر برادری و وحدت امت اسلامی تأکید می کردند. در این نوشتار قصد داریم به طور محسوس سیره اهل بیت در مورد وحدت و انسجام بین مسلمانان را بررسی کنیم و نوع تعامل ائمه با جامعه زمان خویش را بیان نماییم.

معنای «وحدت»

وحدت؛ از ریشه «و ح د» مصدر است و درلغت به معنای «یگانه ویکی بودن» (ابن منظور، 1408، ج3،

ص450). واژ نزدیک به آن، کلم اتحاد است. طریحی کلم «اتحاد» را به معنای «یکی شدن دو شئ» معنا کرده است (طریحی، 1375، ج3، ص158).

وحدت در لغت شناسی قرآنی، به معنای «یکی بودن» (راغب اصفهانی، 1412، ص857) آمده است. در مباحث سیاسی، وحدت سیاسی و اتحاد سیاسی به یک معنا به کار رفته است (آقا بخشی، 1383، ص527) و آن، یگانگی درونی و همبستگی بیرونی در عرص حیات جمعی جوامع است (اولیور استلی برس، 1378، ص860). در مجموع، وحدت در مفهوم ایجابی به معنای یکپارچگی و پیوستگی است و در مفهوم سلبی به معنای عدم تفرق است. و در اصطلاح اینکه ملت و امت اسلام باید با هم متحد باشند؛ یعنی مسلمانان باید جدای از هم عقاید و اختلاف نظری که در جزئیات دینی خود دارند، در مشترکات دینی خود چون خدا، قرآن، قبله، معاد، پیامبر، پاک زیستن و... یکی بوده و در برابر هر عاملی که بخواهد به یکی از این مشترکات خدشه وارد کند، ایستادگی نماید.

بنابر این، مراد از وحدت، برداشتن موانع مصنوعی و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مؤمنان می گردد. از تعاریف فوق به دست می آید که وحدت در اصطلاح یک مفهوم سیاسی اجتماعی است که به معنای یگانگی و همبستگی در کارکرد احزاب می باشد. (پور فرد، 1392، صص 29-48).

وقتی سخن از وحدت به میان می آید، منظور وحدت معقول است که با توجه به آزادی اندیشه و تعقل بیشتر می تواند مورد نظر قرار بگیرد که آن نیز عبارت است از؛ قرار دادن متن کلّی اسلام بر اساس اعتقاد هم مسلمانان وکنار گذاشتن عقاید شخصی، نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلّی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. مقصود این است که با توجه به مشترکات بین هم طوایف و فرقه های اسلامی، نظیر اعتقاد به خداوند یگانه، پیامبر اسلام وکتاب الهی و قبل مشترک و اعتقاد به معاد و احکام اسلامی؛ مانند نماز، روزه، حج و زکات، همه با همدلی با یکدیگر همکاری کنند (مطهری، 1381، ج 25، ص 2726).

«سیره» به چه معنا است؟

سیره؛ از کلم «سیر» به معنای رفتن است (طریحی، 1375، ج3، ص340).

راغب گوید: «سیر» در زمین راه رفتن وعبور کردن است. (راغب اصفهانی، 1412، ص247). «سیره» نوع رفتار و حالتی خاص از حرکت انسان است؛ چنانکه «جَلسه» یعنی نشستن، ولی « جِلسه» بر وزن «فعله» نوع نشستن را گویند. بدین روی، «سیره» نوع حرکت است (ابن منظور، 1408، ج6، ص453). با توجه به معانی یاد شده، می توان «سیره» را نوع و سبک رفتار معنا کرد. در ادبیات فارسی نیز سیرت به معنای رفتار، طریقه و عادت و روش به کار رفته است (دهخدا، 1377، ماد سیرت).

محورهای وحدت مسلمین

برای ایجاد وحدت میان مسلمانان، محورهایی وجود دارد که از آنها به عنوان عوامل مشترک اتحاد میان فِرق و مذاهب اسلامی یاد می شود:

الف) ایمان به وحدانیت خدا و پرستش او.

ب) ایمان به رسولان الهی و به خصوص ایمان به خاتمیت پیامبر(ص).

ج) باور به معاد و روز رستاخیز.

د) اشتراک در کتاب آسمانی قرآن کریم و باور به حقانیت و صدق گفتار او.

ه) اشتراک در بسیاری از اعمال عبادی؛ از قبیل نماز، روزه، حج، زکات و...

در اینجا به سیرۀ اهل بیت در ایجاد وحدت میان مسلمانان می پردازیم:

1- سیاست صبر و سکوت

می دانیم که علی(ع) بعد از پیامبرخدا(ص) شایسته ترین فرد برای ادارۀ امور جامعۀ اسلامی بودند و هیچ کس از نظر فضیلت، تقوا، شجاعت، جهاد در راه خدا و سایر صفات عالی انسانی به پایۀ آن حضرت نمی رسید. لذا این انتظار میرفت که پس از رحلت پیامبر، امیر مؤمنان زمام حکومت اسلامی را در دست بگیرد و رهبری مسلمین را تداوم بخشد، اما در مقام عمل چنین اتفاقی نیفتاد و بعد از پیامبر (ص) مسیر خلافت اسلامی منحرف گردید و علی (ع) از صحنۀ سیاسی و مرکز قدرت در رهبری امت اسلامی به دور ماند. چون این انحراف برایش قابل تحمل نبود و سکوت را روا نمی دانست، بارها با استدلال و احتجاج های خود، خلیفه و هواداران او را مورد اعتراض قرارداد اما این اعتراضات چندان سودی نبخشید.

امیر مؤمنان در این جریان بر سر دو راهی حساسی قرار گرفت؛ یا باید در برابر حکومت نامشروع قیام می کرد و حق خود را می گرفت و یا وضع موجود را تحمل کرده، به وحدت و اتحاد جامعۀ نوپای اسلامی می اندیشید و به حل مشکلات امت اسلامی و وظایف خود می پرداخت؛ لذا تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی آن روز باعث شد تا امام(ع) گزینۀ دوم را انتخاب کند.

حضرت به صبر و سکوت خود در برابر انحراف خلافت اسلامی از میسر اصلی اشاره کرده؛ خطاب به اعضای شورا فرموده اند:

«به یقین می دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت، من هستم. سوگند به خدا به آنچه انجام داده اید گردن می نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمانان رو براه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم

نشود و پاداش این گذشت و سکوت و فضیلت را از خدا انتظار دارم و از آن همه زر و زیوری که به دنبال آن حرکت می کنید، پرهیز می کنم.»[1] (دشتی، 1379، ص123).

در جای دیگر فرمود:

هنگامی که خداوند پیامبر خود را قبض کرد، قریش با خود کامگی، خود را بر ما مقدم شمرده، ما را که به رهبری امت از همه شایسته تر بودیم از حق خود بازداشت ولی من دیدم که صبر و بردباری براین کار، بهتر از ایجاد تفرقه میان مسلمانان و ریخته شدن خون آنان است؛ زیرا مردم به تازگی اسلام را پذیرفته بودند و دین مانند مشکی مملوّ از شیر بود که کف کرده باشد و کوچکترین سستی و غفلت آن را فاسد می سازد، و کوچکترین فرد آن را وارونه میکند.» (صبحی صالح، 1414، ص308).

2- حل اختلافات حقوقی مسلمانان

کارنامه اهل بیت در موضوع اتحاد اسلامی و فراخوان جوامع بشری به همدلی و همفکری و همکاری براساس توحید و عدل، کارنامه ای درخشان و بلند و پر حجم است و بررسی رفتار و گفتار امام صادق(ع) در زمینه های زیر می تواند نقش آن امام بزرگوار را در اتحاد مسلمین بیش تر روشن سازد:

امام صادق(ع) و توصیه شیعیان به تقیه.

امام صادق(ع) و حل اختلافات فکری پیروان اهل بیت.

امام صادق(ع) و ارائه راهکار حل اختلافات حقوقی شیعه.

امام صادق (ع) وتأکید بر اصل همزیستی و مدارا با اهل سنّت وهمه فرق اسلامی.

امام صادق(ع) و تأکید بر نماز جمعه و جماعت و اعیاد اسلامی.

امام صادق(ع) و برخورد هشیارانه ایشان با نمایندگان و کارگزاران دولت عباسی، زمینه جهاد فرهنگی بزرگی را فراهم آورد. هرکدام از محورهای پیش گفته، بخشی از کارنامه امام ششم را نشان می دهد که چگونه آن حضرت همچون دیگر پیشوایان پاک اسلام در جهت «عبادت الهی» و «عدالت اجتماعی» و «تحکیم روابط امت اسلامی» و هدایت جامعه بشری گام برداشتند؛ برای نمونه یکی از برنامه های وحدت آفرین آن پیشوای پاک یادآوری می شود:

مفضّل بن عمر گوید: «هرگاه بین دو نفر از شیعیان ما درگیری [مالی] دیدی، آن را با پرداخت اموال من حل کن.»[2] (کلینی، 1407، ج2، ص209).

هزینۀ وجوه شرعی در جهت اتحاد و برادری پیروان اهل بیت و حلّ اختلافات درونی، یکی از برنامه های معروف امام صادق(ع) است.

3- تأکید بر همزیستی مسالمت آمیز و مدارا با اهل سنت و سایر فرق اسلامی

وظیفۀ شرعی شیعیان در تعامل با برادران اهل سنت چیست؟ آیا باید با آنها جنگید؟ به عقاید یا مقدسات آنان اهانت کرد؟ یا راه دیگری وجود دارد که اهل بیت برای شیعیان تبیین کرده اند؟ همواره در بین شیعیان و اهل سنت افراد تندرویی وجود داشته اند که بر آتش درگیری مذهبی دمیده اند.

در نقطۀ مقابل، شیعیان و اهل سنتِ معتقد به همزیستی مسالمت آمیز نیز در طول تاریخ کم نبوده اند. به همین جهت هم معاویة بن وهب ناظر به این پدیدۀ اجتماعی از امام صادق(ع) می پرسد:

«شایسته است در ارتباط بین خود و قوممان و همچنین در ارتباط با مردم دیگر که بر اعتقاد ما باور ندارند، چگونه رفتار کنیم؟» (کلینی، 1407، ج2، ص636).

پرسش معاویة بن وهب دو بخش دارد: 1. شیوۀ رفتار شیعیان با یکدیگر 2. شیوۀ رفتار و تعامل آنان با اهل سنت، اما امام(ع) در پاسخ، تفکیک نکرده و هر دو پرسش را یک پاسخ داده اند؛ یعنی نسبت به شیعیان و اهل سنت، هر دو باید این رفتار اجتماعی را داشته باشید.

واژۀ «خُلَطَائِنَا منَ الناس» را به کار برده اند؛ «خلطائنا»؛ یعنی این که زندگی آنها با ما آمیختگی اجتماعی دارد. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که همسایه، دوست، همکلاسی، همکار و حتی بعضی فامیل دور و نزدیک شیعه نیستند. باید چه کنیم؟ در این روایت به قرینۀ اینکه فرمود: «مِمَّنْ لَیسُوا علی أَمرِنَا»؛ یعنی کسانی که ولایت اهل بیت را قبول ندارند این معنا روشن تر می شود.

و فرمودند: «نگاه کنید به امامانی که از آنان پیروی می کنید.»؛ «قَالَ: تَنْظُرُونَ إِلی أَئِمَّتِکمُ الَّذِینَ تَقْتَدُونَ بهِمْ. ..»؛ «هرکاری که آنها می کنند شما هم همان کار را انجام دهید.»؛ «فتَصْنَعُونَ ما یصنَعُون».

در اینجا امام صادق(ع) قسم می خورند تا تأکید کنند و شک شیعیانش هم برطرف شود: «فَوَ اللهِ إِنَّهُمْ لَيعُودُونَ مرْضَاهُم»؛ «به خدا قسم اهل بیت از مریضان سایر مذاهب عیادت می کنند.»؛ «وَ يشْهَدُونَ جَنَائِزَهُم»؛ «در تشییع جنازه های آنها حاضر می شوند.» «وَ يقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيهِم»؛ «در دادگاه به نفع یا علیه آنها شهادت می دهند.» «وَ يؤَدُّونَ الْأَمانَةَ إِلَيهم»؛ «و امانت را به آنها بر میگردانند.» (کلینی، 1407 ق.، ج2، ص636).

برخی اصطلاحات به دلیل شرایط سخت امنیتی و سیاسی، در روایات اهل بیت به شکل کنایه به کار برده می شده تا در نقل، حساسیت برانگیز نباشد. این هم خود ظرافت و دقت اهل بیت و وحدت گرایی ایشان را حتی در گفتار و نقل حدیث می رساند.

4- دعوت و تأکید بر وحدت در جامعه اسلامی

در این بخش به سیره امام رضا(ع) اشاره میکنیم؛ مبانی نظری و محورهای وحدت اجتماعی در سیره امام رضا(ع) با مطالعه در تعالیم اعتقادی و رفتاری آن حضرت روشن می شود که هر چند ایشان موفق به تشکیل حکومت نشدند، اما اداره امور جامعه بر مبنای وحدت و نیز نگاهی همراه با رحمت به غیر مسلمانان و نزدیک نمودن آنان به یکدیگر را جزو اساسی ترین برنامه های یک حکومت مطلوب و موفق میدانستند. از نگاه امام رضا: چون انسان موجودی اجتماعی است که در جامعه زندگی می کند، لذا برای تحقق اهداف خود نیازمند برقراری ارتباط با سایر افراد است تا بتواند در ورای این برقراری ارتباط، به نتایج مطلوب مورد انتظار خویش برسد و این امر جز با وحدت و نزدیکی و ایجاد همدلی و یکرنگی تحقق نخواهد یافت. آن حضرت با استناد به کلام امام صادق: به یاران خویش توصیه می فرماید:

«از تشتّت و تفرقه و جدایی بپرهیزید؛ زیرا موجب هدر رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما شود...» (مجلسی،1414، ج15، ص53).

ایشان در جای دیگر جدایی از اجتماع مسلمانان و به تعبیری خروج از وحدت اجتماعی را به نوعی بیرون شدن از دایره مسلمانی و بازگشت به جاهلیت دانسته و با تکیه بر کلام حضرت رسول(ص) فرمودند:

«آن که از جماعت مسلمانان جدایی جوید، بند اسلام را از گردن نهاده است و مرگی جاهلانه خواهد

داشت.» (مجلسی، 1414، ج26، ص67).

از نظر امام رضا(ع) مقصود از وحدت اجتماعی گرد آمدن صاحبان سلیقه ها و روش های گوناگون بر محور اسلام با رعایت اصل عملی احترام به عقاید و آرای دیگران و به تعبیر دیگر وحدت بین مسلمین و تقریب مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع عملی واحد جهت تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و نیز تحمل سلیقه ها و ذوق ها و برخورد های مختلف است.

5- توهین نکردن به مقدسات دیگران و خوش رفتاری

یکی از روشهای ایجاد وحدت، محبت و جذب دیگران به خود و داشتن ارتباط مؤثر، خوش زبانی است. قرآن مجید مؤمنان را به خوش سخنی سفارش می کند و تذکر می دهد که بد زبانی اخلاقی شیطانی است که باعث تفرقه و جدایی می شود:

«به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می کند همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است!» (اسراء : 53).

«و به مردم نیک بگویید.»[3] (بقره: 83).

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه میفرماید:

«خداوند به انسانی که بسیار لعن و نفرین می کند و طعنه زده، سخنان زشت بر زبان می آورد دشمن می دارد. سخنی را به مردم بگویید که دوست دارید مردم آن سخن را به شما بگویند.» (فیض کاشانی، 1425، ج1، ص638).

قرآن کریم به طور صریح توهین به پیروان ادیان و مذاهب دیگر را ممنوع دانسته است:

«(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل،

خدا را دشنام دهند.»[4] (انعام: 108)

به حکم این آیۀ شریفه توهین کردن به عقاید دیگران هر چند باطل باشد راه صحیحی نیست. علی (ع) به بعضی از اصحاب خود که به مخالفین دشنام میدادند سفارش می کند:

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را تعریف، و حالات آنان را باز گو می کردید به سخن راست نزدیک تر، و عذر پذیرتر بود.»[5] (هاشمی خویی، 1400، ج 13، ص 82).

خوارج یکی از سرسخت ترین گروه دینی مخالف امام علی(ع) بودند، اما بنا به فرمایش امام باقر: آن حضرت هیچ گاه آنان را به کفر، شرک و نفاق متهم نکرد، بلکه فرمود: «هُمْ إِخوَانُنَا بغَوْا علَینَا» (حمیری، 1413، ص94).

6- تحمل عقاید دیگران و عدم تکفیر مخالفین

انسانها بر اساس نگرش هایی که دارند عمل می کنند و برای خود به یک عقیده ای متمایل می شوند و از آن دفاع می کنند. همۀ اعمال و رفتار انسان برطبق عقیده است؛ خواه درست باشد یا غلط. خداوند در قرآنکریم میفرماید:

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!»[6] (توبه: 6).

زراره یکی از شاگردان برجستۀ امام باقر و امام صادق8 است. او انسانها را از جهت دینی به دو گروه کافر و مؤمن تقسیم کرده و از تقسیم مسلمانان به خودیو غیرخودی سخن به میان می آورد. اما امام صادق: با اشاره به گونه های دیگری از مردم؛ مانند «مستضعفان فکری» و «اهل اعراف» که بر اساس آموزۀ قرآن واسطۀ بین ایمان و کفرند، دیدگاه وی را رد کردۀ و این انحصار را مردود اعلام نمود. جالب توجه این که امام(ع) تنگ نظری و افراط زراره در تعمیم کفر به تمامی جاهلان و منکران امامت را ناشی از جوانی و جهل و کینه وی نسبت به مخالفان دانسته و یادآوری می کند که:

«اِن کَبَرتَ رَجَعتَ وَ تَحَلَّلت عَنکَ عُقدک» (بحرانی، 1374، ج2، ص5489)،

هیچ گاه از امامان شیعه شنیده نشدکه بگویند: کسی که امامت ما را قائل نیست از دین خارج است. بیشتر روایاتی که دربارۀ عقیدۀ به ولایت اهل بیت است، مربوط به مسألۀ محبت اهل بیت است، آن هم در مقابل بنی امیه و برخی از خوارج که دشمن واقعی اهل بیت بودند.

در زمان امام مجتبی تا امام سجاد، دشمنانِ امیر مؤمنان فعال بودند و تبلیغات آنان شیوع داشت. در مقابل این تبلیغات ائمه این حرف ها را میگفتند و عمده نظر آنان به مخالفان (دشمنان) اهل بیت بود. پر واضح است که ماهیت اسلام، چیزی جز گواهی دادن به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر و اعتقاد به معاد نیست و غیر از این امور، هیچ چیز دیگر، از جمله اعتقاد به ولایت ائمه، در ماهیت اسلام دخالت ندارند. بنابراین، امامت از اصول مذهب است، نه دین(موسوی خمینی، ج3، ص327).

در روایتی، به نقل از هاشم بن برید، امام صادق (ع) از دیدگاه برخی از اصحاب برجستۀ خود مبنی بر تکفیر مخالفان امامت ائمه تعجب کرده و ضمن ردّ باور آنها به آنان هشدار میدهدکه:

«بسیار بد است برای شما چیزی را که از ما نشنیده اید، از پیش خود بگویید.» (کلینی، 1407، ج2، ص399)

آنچه از روایات به دست میآید این است که در سیرۀ اهل بیت تکفیر مخالفین (اهل سنت) جایی ندارد و بلکه ائمه اصحاب و شیعیان خود را از این امر ناپسند برحذر می داشتند.

امام موسی صدر که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رهبری و زعامت شیعیان لبنان را بر عهده داشت و یک متفکر اجتماعی شیعی است و در سفرهایی به کشورهای شمال آفریقا، طرحی نو جهت همفکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه های علمیه شیعه لبنان در انداخت و نیز اولین دور سلسله گفتگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین، در مؤسسه فرهنگی «الندوة اللبنانیه» به راه انداخت و از سال ۱۳۴۷ به عضویت مرکز اسلام شناسی استراسبورگ در آمد، دو راهکار اساسی جهت ایجاد وحدت مطرح می کند:

وحدت فقهی

کوشش های مشترک

«وحدت فقهی در نظر امام موسی صدر این نیست که اختلاف فتوا در میان فقهاو اندیشمندان اسلامی وجود نداشته باشد. اختلاف در فضای نظری، به سیر تکاملی فقه می افزاید. به پویایی آن کمک می کند و مایۀ حرکت مجتهد و شکوفایی اجتهاد می گردد. بنابراین، اختلاف بینش ها تا زمانی که در مرحلۀ نظریه ای علمی قرار دارد، مایۀ خیر و برکت است، اما آنگاه که این نظریه ها بخواهد به فتوا و حکم قابل عمل در جامعه تبدیل شود و در قیافۀ شعائر دینی بروز کند، اگر به طور واحد، هماهنگ و یکپارچه نباشد، ناخواسته منشأ چند دستگی، تفرقه و بدبینی خواهد شد که لازم است از آن پرهیز شود.» (پگاه حوزه، 1386، شماره 207، ص47).

تعبیر امام موسی صدر از کوشش های مشترک، همان بسیج نیروهای مشترک است که در جهت تحقق هدفهای گوناگون تلاش می کند و راهی است که خود به خود دست آورد وحدت جویانه به دنبال دارد.

کوشش های مشترک به تلاقی دو عامل و دو همرزم در یک میدان که در نتیجه، حس اعتماد گسترش می یابد و دلها به آرامش میرسد و یکی از مظاهر وحدت عقیده و عواطف، خود می نماید. (اباذری، 1381، ص277).

سپس به بیان چند مثال در ذیل «کوشش های مشترک» می پردازد که می تواند به عنوان راهکارهای علمی و عینی در خصوص وحدت در میان امت اسلام مطرح گردد. یکی از مهمترین این مثال ها «هدف های شرعی» است؛ مانند یکی کردن اعیاد و شعائر دینی و شکل پاره ای عبادات چون «اذان، نماز جماعت و. ..» مثلا می توان این پیشنهاد را بررسی کرد که در رویت هلال به طریق نوین علمی و تعیین زاویۀ دید هلال در افق تکیه کنیم و روز عید را با دقت علمی مشخص کنیم تا همۀ مسلمانان در یک روز عید داشته باشند و در بسیاری دشواری ها صرفه جویی شود... و نیز می توان شکلی از اذان را که برای همگان مورد قبول باشد بررسی نمود. (اباذری، 1381، ص277).

نتیجه گیری:

وحدت یکی از آموزه های مهم قرآن کریم و از سفارش های مؤکد پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت است. ائمه با سیرۀ عملی و کلمات روشن بخش خود، همواره امت اسلامی را به اتحاد و پیوستگی و دوری از تفرقه و پراکندگی دعوت نموده اند. اسلام هرگونه مرز بندی اعتقادی، سیاسی و فکری را درون جامعه نفی می نماید. مسلمانان جهان با تمسک به مشترکات؛ از قبیل(قرآن، پیامبر، قبله و...) می توانند زندگی

مسالمت آمیز داشته باشند و با توجه به مسائل اشتراکی، به اهداف جامعۀ اسلامی برسند. در سیرۀ اهل بیت، بحث وحدت مسلمین به طور ملموس واضح است که همواره مسلمانان را به دوری از اختلاف توصیه کرده و بر اتحاد مسلمین تأکید داشته اند. به لحاظ شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوتی که ائمه با آن مواجه بودند، تاکتیک ها و روش های آنان هم متفاوت بود و بر اساس موقعیت ها و مصالح نظام و حفظ اساس اسلام در پی ایجاد وحدت بوده اندو با محور قرار دادن مشترکات بین مسلمانان در گفتار و رفتار و عمل، بحث وحدت را مطرح میۀنمودند و در حقیقت اخلاق عملی خود را در ایجاد وحدت به پیروان خود نشان دادند تا به عنوان الگوی تمام عیار در همۀ زمینه ها پیروان ائمه از ایشان تأسی بجویندو سیرۀ آن بزرگواران را سر لوحه زندگی اجتماعی خود قرار دهند.